

دو روئی هم حد می شناسد

جنبش مترقی، چپ و دادخواهانه سده بیستم افغانستان چهره های برجسته ای نظیر میر غلام محمد غبار، استاد زعما، محمودی، نور محمد تره کی، ببرک کارمل، محمد طاهر بدخشی، میر اکبر خیبر، داکتر زرغون، بحرالدین باعث، عبدالمجید کلکانی و شمار با نام و بی نام دیگری را در سینه دارد که نقش هر کدام با در نظر داشت گرایش های فکری و تاثیر گذاری سیاسی آنها بر حالت مشخص آن دوران، در خور پژوهش و در موارد ویژه ای شایسته ارج گذاری است. از میان آنها نام ببرک کارمل نه تنها معرف یک شخصیت فزیکتی بلکه تجلی گاه خط فکری است که پرورش یک نسل کامل انقلابی در دهه های شصت و هفتاد سده پیشین به آن بستگی دارد. ببرک کارمل بدون شک یکی از سیما های نامدار و یکی از رهبران ورزیده جنبش چپ افغانی نیمه دوم سده بیستم به حساب می آید.

شخصیت ببرک کارمل باید در دو بعد: کارمل پیش از قدرت و کارمل بر مسند قدرت در شرایط حضور ارتش اتحاد شوروی به تحلیل و تحقیق گرفته شود که همین لحظه هدف قلم نگارنده نیست، برای این کار وقت جدای را باید صرف کرد، ولی آنچه نگارنده را متحیر و متعجب می سازد برخورد فرصت طلبانه، استفاده جویانه و عوامفریبانه حلقاتی از حزبی های سابق با نام و شخصیت ببرک کارمل است. آنها در حالیکه مدت ها قبل بر آنچه آرمان ببرک کارمل، منافع زحمتکشان، اندیشه های چپ و دادخواهانه نامیده می شود خط بطلان کشیده تسلیم ارتجاع شده اند باز هم با پروئی تمام به نام، گفتار و تصویر کارمل می چسبند و گوئی پیرو راه آن زنده یاد اند و به آرمان هایش خیانتی نکرده اند. آنها نه تنها در حق او و تاریخ جنبش چپ افغانی ظلم و جفا روا می دارند بلکه اندیشه های عدالت خواهی را به تمسخر می گیرند.

انگیزه نوشتن این چند سطر، نشر تصویر و نقل بی رابطه گفته ای از ببرک کارمل به مناسبت سیزدهمین سال درگذشت او، در سایت انترنتی حزب متحد ملی افغانستان، "وطن" است. فهمیده نشد که هدف چیست؟ حزب متحد ملی کی را فریب می دهد؟ مبرهن است که روشنفکران چیز فهم افغانستان و هزاران رزمنده خانواده حزبی دیروز بار دیگر تسلیم فریب و

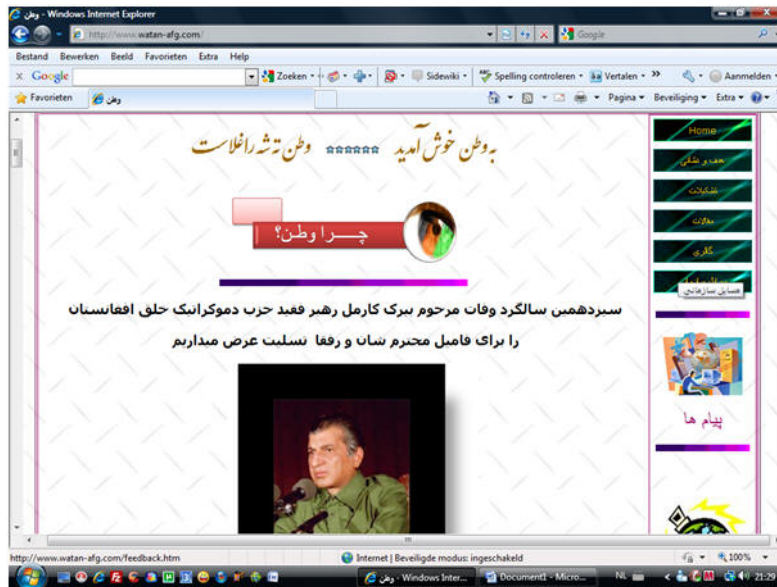
حقه بازی های سیاسی تکراری نمی گردند • اگر ببرک کارمل گفته بود، "مظاهر موجود طایفه پرستی، خانواده پرستی و گروه بازی، محافل گرم رفاقت بازی شخصی، مقام پرستی و عدم اعتماد متقابل در بین حزب به وحدت آن لطمه وارد می کند"، برای حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی حزب حاکم آنوقت گفته بود، برای حزبی گفته بود که قدرت سیاسی را در دست داشت و مسئول سرنوشت میلیون ها انسان جامعه افغانی بود • گفته های نقل شده او برای حلقه ها و گروه های در یوزه گرا ارتجاعی امروزی که در بیچاره گی فکری بسر می برند، به هر در و پنجره سر می زنند تا جای پای پیدا کنند وفق نمی کند • حزب متحد ملی افغانستان یکی از آنجمله است •

حزب متحد ملی در بستر ضدیت با جنبش چپ و هواخواهی از عناصر مزدور و گماشته شده بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ پایه گذاری شده در ابتدا راه حمایت از رژیم کرزئی را انتخاب کرد بعد به جبههء مجاهدین پیوست • فعالیت حزب متحد ملی در وضعیت کنونی اش هیچ وجه مشترکی با شخصیت و تفکر ببرک کارمل نداشته جز ابزار سازی نام او به قصد فریب صفوف حزب متحد ملی که بیشتر از پیروان دیروز ببرک کارمل اند هدف دیگری دنبال نمی گردد •

برخی اعضای حزب متحد ملی، پیوستن شان به جبههء مجاهدین را با خواست های مرامی آنوقت حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبنی بر ایجاد جبههء متحد ملی یا پیدایش جبههء ملی پدر وطن به مقایسه گرفته می خواهند برای عضویت شان در جبههء چپاؤلگران جهادی دست آویز بتراشند • چقدر سواد سیاسی داشت تا به تفاوت این پدیده ها پی برد • معلوم می شود که این افراد حتی از مرامنامهء آنزمان حزب خود نیز بی خبر بودند • ربانی، سیاف و گلبدین همان وقت هم موجود بودند ولی ببرک کارمل و حزب دموکراتیک خلق افغانستان تصمیم ایجاد جبهه را با آنها نداشتند • هدف، ایجاد جبهه با نیروهای مترقی و دموکراتیک بود • اگر حزب متحد ملی؛ ربانی، سیاف و دیگر غارتگران جمع شده در جبههء مورد نظر را نیروهای طرف همکاری و همپیمانی سیاسی می شمارد به دشواری می توان این حزب را ماهیتاً از جنایت کاران جهادی تفکیک کرد •

با نشر گفتار و تصویر ببرک کارمل به هر مناسبتی که باشد نمی توان روی خود را شست • بلاخره دورویی هم یک حد و مرزی دارد •

به هر رنگ که خواهی جامه میپوش من از طرز خرامت میشناسم



عکس برگرفته از سایت اصالت